

## در بزرگداشت ۱۴ اسفند



۱۴ اسفند سال ۱۳۴۶ خورشیدی برابر چهارم مارچ سال ۱۹۶۸ میلادی، ۳۶ سال پیش؛ یادآور خاطره‌ای تلخ و شوم از مرگ یکی از گرامی‌ترین فرزندان مبارز، مردم سالار، قانون‌مند و استعمار ستیز قاره آسیا است که نام بزرگش در تاریخ ایران و جهان بر تارک پیش‌گامان وطن پرستی، ملی‌گرایی و مبارزه با استعمار می‌درخشد.

این قهرمان استقامت و مبارزه، در اوج قدرت‌گیری مطلق انگلیس و آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم که پیروزی‌های جنگ و شکست نازیسم را به حساب خودشان نوشته بودند و سرزمین‌های بی‌سر و صاحب آن دوران بحرانی را در اروپا، آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اوقیانوسیه یکی پس از دیگری به نام خود ثبت و ضبط می‌کردند، حماسه‌ای آفرید که بعدها سرمشق و شیوه سیاسی و مبارزه‌ای مردان بزرگی مانند: جمال - عبدالناصر (مصر)، دکتر سوکارنو (اندونزی)، دکتر احمد- بن بلا (الجزیره) دکتر جولیوس - نایره (تانزانیا)، جومو- کیناتا (کنیا)، کنت - کائوندا (زامبیا)، پاتریس - لوموبا (کنگو) و بسیاری دیگر از مبارزان راه آزادی و استقلال کشورهای استعمار زده جهان قرار گرفت.

نام این قهرمان ضد استعمار بسیار سریع از فراز خانه‌های مردم سرزمینش به فراسوی

رادیوها و خبرگزاری‌های بزرگ جهان به مناسبت درگذشت رهبر ملی و استعمار ستیز ایران اطلاعیه‌هایی را در همان تاریخ منتشر کردند که ما برای آگاهی نسل جدید ایران از تاریخ معاصر و سراسر مبارزه به چند نمونه‌ی کوچک از آن ده‌ها و صدها اعلامیه اشاره می‌کنیم:

رادیو فرانسه در تفسیر نیم روزی خود در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ برابر چهارم مارچ سال ۱۹۶۸ شرح مفصلی از زندگی و دوران مبارزه دکتر مصدق و بحران جهانی نفت و ملی‌شدن نفت ایران را توسط وی بیان کرد که چند جمله از آن تفسیر در این جا بیان می‌شود:

«در اجتماع وسیعی که در مسجد جامع مسلمانان پاریس به منظور بزرگداشت

مرزهای جهانی پر کشید و به زودی مردم سراسر گیتی دریافتند که از سرزمینی شگفتی‌ساز به نام ایوان شیرمردی سربرافراشته است که به زودی شیوه سیاسی‌اش سرمشق مردان ملی‌گرای جهان برای نجات سرزمینشان از چنگال استعمار خواهد شد.

نام این قهرمان ملی و ضد استعماری دکتر محمد مصدق است که هیچ‌گاه از یاد و خاطر تاریخ گیتی زدوده نخواهد شد. با گرامی‌داشت یاد و خاطر این دولت‌مرد مردم سالار به گوشه‌هایی از تاریخ معاصر اشاره می‌کنیم و ادامه‌ی گفتمان را به مجله‌ی فردوسی شماره ۱۶ که به مناسبت روز ملی‌شدن نفت گزارش‌هایی خواهیم داشت و می‌گذاریم. بسیاری از روزنامه‌ها،



درگذشت دکتر محمد مصدق برگزار شده بود علاوه بر حضور جمعیتی فراوان از طرفداران دکتر مصدق، تعداد زیادی از سفیران و نمایندگان کشورهای مسلمان، رئیس اتحادیه‌ی عرب، نمایندگان فدراسیون‌های دانشجویان ایرانی، پانزده فدراسیون و نماینده دانشجویان آسیایی و آفریقایی، تعداد زیادی از نمایندگان حزب‌های کشورهای مختلف و بسیاری از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و شاعران جهان در آن مراسم با شکوه حضور یافته و یاد دکتر مصدق را گرامی داشتند.»

تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۴۶ برابر پنجم مارچ سال ۱۹۶۸ اعلام کرد:

«..... امشب در نظر داریم درباره یک روح بزرگ و مبارز، و قهرمانی خستگی‌ناپذیر که از قهرمانان آزادی و جهاد در راه وطن بود و از دشمنان استعمار و استبداد به شمار می‌رفت صحبت کنیم ..... مصدق بزرگ در حالی از دست رفت که ایران در شرایط کنونی برای رهبری مردم بیشترین احتیاج را به وی داشت ..... دکتر مصدق باید زنده بود تا روزهای فراموش نشدنی استقلال ایران را مجدداً رهبری نماید ..... ای روح بزرگ سلام تمام مبارزان راه آزادی نثارت باد .....»

قسمتی از اعلامیه‌ی بولتن خبری سازمان دانشجویان ایران در آمریکا به تاریخ ۱۵

مداران، مبارزه و مقاومت حضرت پولس مقدس را به یاد انسان می‌اندازد که در راه مبارزه با مخالفان حضرت مسیح چه مشکلات و بدبختی‌هایی را تحمل کرد!!  
.....

رادیو صوت العرب در ساعت ۹/۳۰ شب

رادیو فرانسه ضمن گفتار در این مورد به نقل از گفته‌های دیگران می‌گوید: «..... مصدق برای مردم ایران نقش یک پیامبر را داشت ..... دفاع همیشه‌گی او از حق محرومان و ایستادگی‌اش در مقابل قدرت





اسفند ۱۳۴۶ خورشیدی برابر پنجم مارچ سال ۱۹۶۸ میلادی:

«مصدق در تاریخ سیاسی ایران بدون شک خرمندترین، با ارزش‌ترین، آزاده‌ترین و مردمی‌ترین رجل سیاسی به حساب می‌آید و سال‌های زمام‌داری او نقطه‌ی عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی ایران محسوب می‌گردد ..... خلق ایران مشعل فروزانی

دکتر محمد مصدق نخست وزیر سابق ایران، صفی طویل از نام عده‌ای از رهبران ملی‌گرای جهان تشکیل شده است که به زودی به تاراج اموال و دارایی‌های بریتانیای کبیر در سرزمین‌هایشان خواهند پرداخت که در تاریخ ماندگار خواهد شد..... سرمشقی که دکتر مصدق از خود به جای گذاشت به صورت یک بیماری واگیردار

عبدالناصر) کانال سوئز را ملی و تمام دارایی و سرمایه‌های انگلستان را ضبط کرد ..... سیلان و اندونزی دنباله‌روی مصر شدند. کائوندا (کت - کائوندا) رییس جمهوری ملی‌گرای زامبیا نیز به این کیک خوش‌مزه گازی زد..... دکتر نایره (جولیوس - نایره) رهبر ناسیونالیست تانزانیا تمام بانک‌های بیگانه را در کشورش مصادره کرد و ..... هنوز خیلی از کشورها در نوبت قرار دارند .....

این چهار روز بزرگ را در تاریخ معاصر ایران به خاطر بسپارید تا به گفتمان «نفت» در شماره‌های آینده پردازیم.

۱- ۲۹ اردیبهشت سال ۱۲۶۱ خورشیدی برابر ۱۹ ماه مه سال ۱۸۸۳ میلادی (روز تولد مصدق)

۲- ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ خورشیدی برابر ۱۹ مارچ سال ۱۹۵۱ میلادی (روز ملی شدن نفت)

۳- ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی برابر ۱۹ آگست سال ۱۹۵۴ میلادی (کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد)

۴- ۱۴ اسفند سال ۱۳۴۶ خورشیدی برابر چهارم مارچ سال ۱۹۶۸ میلادی (روز درگذشت دکتر مصدق)



را که مصدق برافروخته است هم‌چنان روشن نگاه داشته تا پیروزی نهایی از پای نخواهد نشست .....

قسمتی از سرمقاله‌ی روزنامه‌ی دست راستی دلی تلگراف چاپ لندن در تاریخ ۱۵ اسفند سال ۱۳۴۶ خورشیدی برابر ششم مارچ سال ۱۹۶۸ میلادی: «..... در راستای نام و شهرت (سیاست و اقدامات)

در سراسر جهان پخش خواهد شد. مصدق نشان داد که حتی یک ملت ضعیف نیز اگر متکی به رهبری بزرگ باشد می‌تواند در جنگ با بریتانیا پیروز شود. ملت‌هایی که مورد استثمار سیاست بریتانیا قرار گرفته‌اند در یک صف طولانی در نوبت ضربه زدن به منافع ما هستند. به دنبال پیروزی چشم‌گیر دکتر مصدق، سرهنگ ناصر (جمال

## زندگی مصدق

### مصدق و نفت

دکتر محمد مصدق فرزند میرزا هدایت در سال ۱۲۶۱ خورشیدی در تهران به دنیا آمد و در ۱۴ اسفند سال ۱۳۴۶ خورشیدی در تبعیدگاه خود در روستای احمد آباد واقع در غرب تهران درگذشت.

**مصدق دوره تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در تهران گذراند و برای تحصیلات عالی به اروپا رفت و در پاریس اقامت گزید و موفق شد پس از یادگیری زبان فرانسه وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی پاریس شود.**



**مصدق که راه خود را در ادامه‌ی**

تحصیلات سیاسی می دانست برای ادامه‌ی تحصیل به سویس رفت و در دانشگاه علوم سیاسی نیوشاتل Sciences Politiques Necuchatel مشغول تحصیل در رشته‌ی دکترای سیاسی شد. مصدق در سال ۱۲۹۳ خورشیدی یعنی در سن ۳۲ سالگی موفق به دریافت درجه‌ی دکترای سیاسی از دانشگاه نیوشاتل گردید و به ایران بازگشت. مصدق از آغاز دوره نوجوانی و جوانی خود از رنجی که هم‌وطنان محرومش می کشیدند بسیار ناراحت بود. این مرد بزرگ به خوبی دریافته بود که مردم سرزمینش بر روی اقیانوسی از نفت آرمیده‌اند و وجب به وجب از سرزمین گران‌قدرش را ثروت‌های بی‌کران در بر گرفته است، اما بیش‌تر از ۹۵٪

جمعیت کشورش در زیر خط گرسنه‌گی، فقر، بی‌کاری، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و ستم‌های مضاعف بورژوازی و فئودالیسم وابسته قرار گرفته‌اند. مصدق آشکارا این حقیقت تلخ را مشاهده می‌کرد که حاکمیت دیکتاتوری و دولت‌مردان ناصالح و وابسته به نظام شبه برده‌داری قرون وسطایی ایران هیچ‌گونه توجهی به نیازهای عمومی ندارند و تنها در اندیشه‌ی پر کردن جیب‌های خودشان هستند.

**مصدق به خوبی متوجه شده بود که کلید تمام بدبختی‌ها و نابه‌سامانی‌های اجتماعی و اقتصادی ایران و عقب ماندگی‌های سیاسی کشور ما در دست شرکت‌های جهان خوار نفتی است که با تطمیع حاکمیت وابسته و دولت مردان فاسد به غارت چاه‌های نفتی**

ایران مشغول هستند. به همین سبب از ابتدا با قرارداد ۱۹۱۹ میلادی (۱۲۹۸ خورشیدی) ایران و انگلیس به مخالفت برخاست و چون عمق فاجعه بی‌سوادی و ناآگاهی‌های عمومی را بیش‌تر از آن چه که برای خود تصور کرده بود دید، به اروپا بازگشت و در سویس اقامت گزید. و تصمیم داشت در اروپا بماند و در همان جا مشغول کار بشود. هنوز مدتی طولانی از زندگی در سویس نگذشته بود که مشیرالدوله صدر اعظم و رییس کابینه برای پست وزارت دادگستری از او دعوت کرد تا به ایران باز گردد. با بازگشت مصدق به ایران نظر مشیرالدوله عوض شد و پاییز ۱۲۹۹

خورشیدی به عنوان والی ایالت فارس حکومت آن‌جا را در اختیار گرفت.

**استقلال، عدم وابستگی و آزاد منشی این شخصیت سیاسی تاریخ معاصر ایران به گونه‌ای بود که زیر بار منت و زر و زور هیئت حاکمه و وابسته‌گان آن‌ها قرار نمی‌گرفت.** به همین دلیل از شناسایی کودتای اسفند ماه ۱۲۹۹ خورشیدی سیدضیاء الدین طباطبایی خودداری ورزید.

با سقوط سید ضیاء الدین در سال ۱۳۰۰ خورشیدی به مقام وزارت‌دارایی منصوب گردید و به اصلاحاتی زیر ساختی دست زد و بسیاری از قوانین قرون وسطایی این وزارت خانه را عوض کرد.

ادامه در شماره آینده

## زندگی مصدق

### مصدق و نفت

دکتر محمد مصدق فرزند میرزا هدایت در سال ۱۲۶۱ خورشیدی در تهران به دنیا آمد و در ۱۴ اسفند سال ۱۳۴۶ خورشیدی در تبعیدگاه خود در روستای احمد آباد واقع در غرب تهران درگذشت.

مصدق دوره تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در تهران گذراند و برای تحصیلات عالی به اروپا رفت و در پاریس اقامت گزید و موفق شد پس از یادگیری زبان فرانسه وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی پاریس شود.

مصدق که راه خود را در ادامه‌ی

تحصیلات سیاسی می دانست برای ادامه‌ی تحصیل به سویس رفت و در دانشگاه علوم سیاسی نیوشاتل Sciences Politiques Necuchatel مشغول تحصیل در رشته‌ی دکترای سیاسی شد. مصدق در سال ۱۲۹۳ خورشیدی یعنی در سن ۳۲ سالگی موفق به دریافت درجه‌ی دکترای سیاسی از دانشگاه نیوشاتل گردید و به ایران بازگشت. مصدق از آغاز دوره نوجوانی و جوانی خود از رنجی که هم‌وطنان محرومش می کشیدند بسیار ناراحت بود. این مرد بزرگ به خوبی دریافته بود که مردم سرزمینش بر روی اقیانوسی از نفت آرمیده‌اند و وجب به وجب از سرزمین گران‌قدرش را ثروت‌های بی‌کران در بر گرفته است، اما بیش‌تر از ۹۵٪



جمعیت کشورش در زیر خط گرسنه‌گی، فقر، بی‌کاری، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و ستم‌های مضاعف بورژوازی و فئودالیسم وابسته قرار گرفته‌اند. مصدق آشکارا این حقیقت تلخ را مشاهده می‌کرد که حاکمیت دیکتاتوری و دولت‌مردان ناصالح و وابسته به نظام شبه برده‌داری قرون وسطایی ایران هیچ‌گونه توجهی به نیازهای عمومی ندارند و تنها در اندیشه‌ی پر کردن جیب‌های خودشان هستند.

مصدق به خوبی متوجه شده بود که کلید تمام بدبختی‌ها و نابه‌سامانی‌های اجتماعی و اقتصادی ایران و عقب‌ماندگی‌های سیاسی کشور ما در دست شرکت‌های جهان‌خوار نفتی است که با تطمیع حاکمیت وابسته و دولت‌مردان فاسد به غارت چاه‌های نفتی

ایران مشغول هستند. به همین سبب از ابتدا با قرارداد ۱۹۱۹ میلادی (۱۲۹۸ خورشیدی) ایران و انگلیس به مخالفت برخاست و چون عمق فاجعه بی‌سوادی و ناآگاهی‌های عمومی را بیش‌تر از آن چه که برای خود تصور کرده بود دید، به اروپا بازگشت و در سویس اقامت گزید. و تصمیم داشت در اروپا بماند و در همان جا مشغول کار بشود. هنوز مدتی طولانی از زندگی در سویس نگذشته بود که مشیرالدوله صدر اعظم و رییس کابینه برای پست وزارت دادگستری از او دعوت کرد تا به ایران باز گردد. با بازگشت مصدق به ایران نظر مشیرالدوله عوض شد و پاییز ۱۲۹۹

خورشیدی به عنوان والی ایالت فارس حکومت آن‌جا را در اختیار گرفت.

استقلال، عدم وابستگی و آزاد منشی این شخصیت سیاسی تاریخ معاصر ایران به گونه‌ای بود که زیر بار منت و زر و زور هیئت حاکمه و وابسته‌گان آن‌ها قرار نمی‌گرفت. به همین دلیل از شناسایی کودتای اسفند ماه ۱۲۹۹ خورشیدی سیدضیاء الدین طباطبایی خودداری ورزید.

با سقوط سید ضیاء الدین در سال ۱۳۰۰ خورشیدی به مقام وزارت‌دارایی منصوب گردید و به اصلاحاتی زیر ساختی دست زد و بسیاری از قوانین قرون وسطایی این وزارت‌خانه را عوض کرد.

ادامه در شماره آینده